

بایسته‌ها و خواسته‌های مدنی در اشعار ملک‌الشعرا بهار و نمود آن در گردشگری فرهنگی

چکیده

حقوق شهروندی و مدنی مجموعه‌ای از حقوق عمومی است که به شهروندان یک کشور با در نظر گرفتن دو اصل کرامت انسانی و عدالت تعلق می‌گیرد. آثار ادبی در هر دوره تاریخی بیان‌کننده نگرش‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های یک قوم می‌باشند و خواسته‌های مدنی یکی از آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی است که کم و بیش در این آثار دیده می‌شود. ملک‌الشعرا بهار یکی از شاعران مهم و تأثیرگذار در ادبیات دوره مشروطه و پهلوی اول می‌باشد. اهمیت این جستار در بررسی موشکافانه شاخص‌های خواسته‌های مدنی در دیوان اشعار بهار است که می‌تواند در تبیین الگوهای مناسب برای حاکمان مؤثر باشد و همه اقشار جامعه را نسبت به شناخت حقوق و تکالیف خود آشنا سازد. مطالبه حقوق شهروندی در ایران از دوره مشروطه به شکل جدی آغاز شد و ملک‌الشعرا بهار در کنار دیگر شاعران آن زمان، این خواسته‌ها را در اشعار خود انعکاس داده است. این پژوهش با هدف بررسی برجسته‌ترین خواسته‌های مدنی در اشعار محمدتقی بهار و نمود آن در گردشگری فرهنگی به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌ترین خواسته‌های مدنی در دیوان بهار یعنی آزادی، عدالت و حقوق زنان در کنار دیگر مقوله‌ها نظیر رفاه اجتماعی، رفاه اقتصادی، بخشش، علم‌آموزی، امنیت و ... بیانگر اندیشه حق‌جویانه‌ی ملک‌الشعرا می‌باشد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی آشنایی ملک‌الشعرا بهار با منشور حقوق شهروندی.
۲. بررسی اهمیت حقوق شهروندی در رونق گردشگری فرهنگی.

سؤالات پژوهش:

۱. آیا ملک‌الشعرا بهار با منشور حقوق شهروندی آشنا بود؟
۲. رعایت حقوق شهروندی چه نقشی می‌تواند در توسعه گردشگری فرهنگی داشته باشد؟

کلیدواژه‌ها: شعر بهار، حقوق مدنی، عدالت، آزادی، گردشگری فرهنگی.

مقدمه

حقوق شهروندی زائیده زندگی اجتماعی است؛ به عبارت دیگر آن بخش از خواسته‌های مدنی که جزء حقوق و مطالبات فردی است، نظیر آزادی، عدالت‌طلبی، رفاه اجتماعی، امنیت و هنگامی معنا می‌یابد که افراد در کنش و واکنش با هم قرار گیرند. به همین دلیل این حقوق در زندگی شهری که از مظاهر زندگی اجتماعی است بروز و ظهور می‌یابد. ادبیات به عنوان یکی از غنی‌ترین و محکم‌ترین ارکان فرهنگی هر کشور همواره در تلاش برای آگاه‌سازی مردم جامعه خود دارد. در عصر مشروطه، غالب مفاهیم ادبی به مسائل اجتماعی و سیاسی مشروطه‌خواهان می‌پرداخت و در این میان ملک‌الشعرا بهار یکی از پیشروان این عرصه بود که با پرداختن به مقوله حقوق فردی و اجتماعی، خواسته‌های مدنی شهروندان را در اشعار خود بیان می‌کرد. در این پژوهش به سبب مجال اندک، به برجسته‌ترین خواسته‌های مدنی در اشعار بهار یعنی آزادی، عدالت و حقوق زنان پرداخته شده است.

به دنبال دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان و تأثیر آن بر ادبیات، نگرش و اندیشه‌های نوین وارد ادبیات ایران شد. «فکر مشروطه به شاعران و نویسندگان این عصر نگاهی نو و کاملاً متفاوت بخشید و ادبیات فارسی را که در بند سنن و کلیشه‌ها محصور مانده بود و در باتلاق بازگشت ادبی دست و پا می‌زد با افق‌های تازه آشنا ساخت» (مصفا و سعادت، ۱۳۹۲: ۳). «انقلاب مشروطیت ایران از لحاظ دارا بودن شعرای عصر خود، بی‌تردید در ردیف نخستین انقلاب‌های جهان قرار دارد. منظور ما از شاعران عصر مشروطیت به‌طور کلی تمامی گویندگانی هستند که در دوره‌های مختلف انقلاب، اشعاری با محتوای سیاسی و اجتماعی سروده‌اند یا به گونه‌ای اشعارشان از فضای عصر آزادی و مشروطه‌خواهی و ارزش‌ها و آرمان‌های آن دوره تأثیر پذیرفته است» (خارابی، ۱۳۸۰: ۱۲). به بیانی دیگر، ادبیات مشروطه به عنوان پرچمدار آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی و تحقق حقوق مدنی و شهروندی تلاش کرد تا بتواند این خواسته‌ها را از حاکمان و قانون‌مداران مطالبه کند.

حقوق شهروندی و مدنی یکی از مهم‌ترین حقوق‌های انسانی به‌شمار می‌رود که به چگونگی روابط مردم، حکومت دولت و نهادهای حکومتی و حقوق آنان نسبت به یکدیگر می‌پردازد. واژه شهروند به عنوان مفهومی نوپا در جوامع حقوقی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای مختلف، اغلب به اهل شهر یا یک کشور اطلاق می‌شود. این معنا در فرهنگ‌نامه‌های ایران نظیر لغت‌نامه دهخدا، حییم، فرهنگ روز سخن و فرهنگ فارسی امروز، وجود دارد. هم‌چنین در تعریفی دیگر از این واژه آمده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (اکبری، ۱۳۹۵: ۸۴). باید دانست این واژه ریشه‌ای یونانی دارد و به کسانی گفته می‌شد که در دولت شهر یونانیان «به دلیل سکونت در شهر دارای حقوق سیاسی بودند» (صالحیان، ۱۳۹۰: سایت نشریه طنین غرب). کلمه شهروند از زمان مشروطه به تدریج وارد زبان اجتماعی، حقوقی و سیاسی ایران شد. «درواقع این واژه «شهروند» بوده به معنای کسی که به شهر بند است. در اثر گذشت زمان این بند به «وند» تبدیل شده است و نیز گفته می‌شود که «ی» موجود در شهروندی یعنی هر چیز مربوط به شهروند مانند حقوق شهروندی، وظایف شهروندی و...» (رضایی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۹). تا پیش از مشروطه واژه «رعیت» از نظر مفهومی هم‌ردیف شهروند به کار می‌رفت که امروز بار معنایی آن تغییر یافته است. «رعیت به معنای مسئولیت حاکم در برابر مردم، در زبان عربی بار مثبتی دارد، اما در نظام‌های سیاسی امروز، معنای منفی به ذهن آید. رعیت را در زبان فارسی به گروهی که دارای سرپرست هستند و به کشاورزانی که برای مالک زراعت می‌کنند، و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور، معنا کرده‌اند. به کار بردن این واژه، شنونده را به یاد نظام‌های ارباب و رعیتی می‌اندازد» (ممتاز، ۱۳۷۷: ۸۹). بنابراین فردی که در یک کشور ساکن می‌شود بالطبع از حقوق و مزایایی بهره‌مند می‌گردد؛ چراکه یکی از تعاریف شهروندی نیز همین را می‌گوید: «کسی که از حقوق یا امتیازات

مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۱۸). حقوق و خواسته‌های شهروندی و مدنی در واقع مجموعه حقوق و خواسته‌هایی است که براساس دو اصل کرامت انسانی و عدالت به افراد تعلق می‌گیرد. این مفهوم گسترده «شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می‌باشد که چگونگی روابط مردم و دولت و مؤسسات شهری، و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می‌کند که منشعب از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است و به‌منظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۷۲-۳۷۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اساس حقوق شهروندی بر پایه سکونت افراد در یک کشور بدون در نظر گرفتن دین و قومیت آنان است. «یعنی تمامی افرادی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، تحت شمول حقوق شهروندی و بشری قرار می‌گیرند، از این رهگذر بر نوعی همگونی و علقه‌های اجتماعی-فرهنگی اصرار می‌شود که دیگران از عوامل وحدت‌بخش و مزایای آن بهره‌مند نمی‌شوند» (مهرپور، ۱۳۷۴: ۵۷). قانون‌گرایی، دادگری، برابری، رفاه و امنیت عمومی، آزادی، نیکوکاری، حفظ حقوق زنان، صلح و ... از مهم‌ترین شاخصه‌های حقوق شهروندی و مدنی به‌شمار می‌روند.

در ضرورت این پژوهش باید گفت که ملک‌الشعرا بهار یکی از شاعران مهم و تأثیرگذار در ادبیات دوره مشروطه و پهلوی اول و از چهره‌های برجسته در میان ادب دوستان، جامعه‌شناسان، سیاست‌مداران و حتی مردم عادی می‌باشد. حقوق شهروندی از بخش‌های برجسته و مهم ادبیات دوره‌های مختلف به‌ویژه عصر مشروطه می‌باشد. اگرچه این موضوع از مباحث روز ایران و جهان است، لکن به‌نظر می‌رسد هنوز به‌صورت جدی موردتوجه پژوهش‌گران داخلی قرار نگرفته است. تاکنون چند مقاله در باب حقوق شهروندی نوشته شد که به‌طور عمده در مورد آثار سعدی می‌باشد. غلامحسین یوسفی (۱۳۸۹) در «جهان مطلوب سعدی» افکار سعدی در مورد حقوق شهروندی را شرح می‌دهد. نورعلی مظاهری (۱۳۸۷) در مقاله «حقوق شهروندی از دیدگاه سعدی» و سیاوش حق‌جو (۱۳۸۱) در مقاله «حکمت سیاسی سعدی» به مسایل مرتبط با حقوق شهروندی در اندیشه‌های سعدی می‌پردازند. رضا آزادپور در مقاله «رعایت حقوق اجتماعی» و هم‌چنین معصومه ذوقی کودهی (۱۳۹۵) نیز در مقاله «حقوق شهروندی در بوستان سعدی» به مباحث حقوق شهروندی و مدنی در گلستان و بوستان سعدی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی جامع پیرامون خواسته‌های مدنی در اشعار بهار صورت نگرفته است.

از نظر روش و ماهیت، این پژوهش توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعه منابع کتابخانه‌ای، دیوان شاعر، مجله‌های ادبی یادنامه‌ها با تکیه بر تحلیل محتوا است. جامعه آماری، دیوان اشعار ملک‌الشعرا بهار شامل قالب‌های متنوع ادبی می‌باشد که به‌صورت اسنادی به آن‌ها پرداخته شد. سپس با مطالعه منابع حقوق عمومی و شهروندی مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت به طریق منطقی و استدلالی دسته‌بندی و تحلیل گردید.

نتیجه‌گیری

درون‌مایه ادبیات و آثار ادبی براساس مفاهیم حقوق شهروندی را باید از دورهٔ مشروطه جست‌وجو کرد. البته مفاهیمی چون عدالت، مهرورزی، ظلم‌ستیزی و چگونگی رفتار حاکمیت با رعیت از مصادیق کهن حقوق شهروندی است که در ادبیات قبل از مشروطه نیز کم و بیش دیده می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ملک‌الشعرا بهار با منشور حقوق شهروندی آشنایی داشته است و اندیشه‌های او که در اشعارش بروز می‌یابند بیان می‌کند که شاعر همواره دغدغه دست‌یابی شهروندان به حقوق خود را داشته است و بیش از پیشینیان به مقوله‌های مختلف حقوق مدنی از جمله حق آزادی و انتخاب پرداخته است. قانون و قانون‌گرایی از درون‌مایه‌های اصلی شعر بهار است. وی معتقد است نهادینه کردن حقوق ملت و اجرای آن نیاز به تدوین، تصویب و اجرایی کردن قوانین دارد. هم‌چنین بهار، قانون را زینت ملک و کشورداری و از عوامل مهم کوتاه کردن دست متجاوزان و ستم‌گران نسبت به حقوق مدنی و شهروندی می‌داند. و باور دارد قانون اساسی و تفسیر آن باید به نفع عموم مردم باشد زیرا یکی از آثار ممتاز رعایت قانون، حفظ حقوق عامه، ترویج عدالت و ایجاد نظم و انضباط اجتماعی میان مردم است. عدالت‌محوری از حقوق اساسی مدنی است که بهار در اشعار خود به آن پرداخته است. ملک‌الشعرا بی‌توجهی به عدالت را سبب رواج ظلم و ایجاد فاصله طبقاتی میان مردم و در نتیجه عدم استقرار حقوق مدنی می‌داند. بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین اصول حقوق مدنی و اشعار محمدتقی بهار، آزادی و مباحث مربوط به آن است. شاعر همواره تأکید می‌کند که آزادی نباید نامحدود و باعث سلب حقوق دیگران باشد. آزادی در شعر بهار به مفهوم مشارکت و تن‌دادن به قراردادهای اجتماعی است. مفهومی که در آن حاکمیت، قدرت مشروع خود را از مردم می‌گیرد و نمی‌تواند قدرت مطلقه سیاسی باشد. بهار همانند دیگر شعرای عصر مشروطه ستایشگر آزادی‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و آزادی مطبوعات است. بیان خواسته‌های مدنی از نشانه‌های مهم آزادی در جامعه و هم‌چنین از نشانه‌های استقلال سیاسی یک کشور می‌باشد که در اشعار بهار نیز نمود چشم‌گیری دارد. در پایان باید گفت از اشعار محمدتقی ملک‌الشعرا بهار، شاعر آزادی‌خواه تا همیشه آوای عدالت‌طلبی و حق‌جویی به گوش می‌رسد.

فهرست منابع و مآخذ

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۷). یا مرگ یا تجدد، دفتری از شعر و ادب مشروطه، تهران: اختران.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۹). از صبا تا نیما، ج. ۲، تهران: زوآر
- آقابخشی، علی. (۱۳۸۱). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- احمدی طباطبایی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی ایران»، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۸، ۱.
- اکبری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). نگاهی به حقوق شهروندی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۸). دیوان اشعار بهار، چ. چهارم، تهران: طوس.
- بهار، چهرزاد. (۱۳۹۴). دیوان اشعار بهار، چ. دوم، تهران: طوس.
- بیضایی، میترا؛ صداقتی، عاطفه. (۱۳۹۶). «ارائه شاخص‌های هویت فرهنگی ایرانی-اسلامی منطبق با انواع گردشگری فرهنگی و با ملاحظه عامل پایداری گردشگری». میراث و گردشگری. دوره ۲، ش ۷، ۱۱۱-۱۳۱.
- حاکمی، اسماعیل. (۱۳۸۶). «بهار، سنت، تجدد»، مجموعه مقالات یادیه دوباره از بهار، به کوشش سعید بزرگ بیگدلی، چ. نخست، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حائری، هادی. (۱۳۷۵). یکصدمین سالگرد میلاد بهار، تهران: حدیث.
- خارابی، فاروق. (۱۳۸۰). سیاست و اجتماع در عصر مشروطه، چ. اول، تهران: دانشگاه تهران.
- خادم شیرازی، زهرا. (۱۳۹۷). «حقوق شهروندی با رویکرد معنوی اندیشه‌های گردشگری سعدی». دومین کنفرانس بین‌المللی گردشگری، فرهنگ و هنر.
- رضایی‌پور، آرزو. (۱۳۸۸). مجموعه کامل قوانین و مقررات شهروندی، چ. چهارم، تهران: سپهر ادب.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). با کاروان حله، چ. دوازدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۸۵). کلیات، تصحیح محمد فروغی، تهران: هرمس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). ادوار شعر فارسی، چ. دوم، تهران: سخن.
- صالحیان، تاج‌الدین. (۱۳۹۰). «حقوق شهروندی»، شماره ۲۶۲، سایت نشریه طنین غرب.
- طباطبایی مؤتمن، منوچهر. (۱۳۸۸). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چ. چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- علی دوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). «فقه و مقاصد شریعت»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۴۱.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). مقدمه علوم حقوق، چ. اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مشتاق، رحمان. (۱۳۸۷). «عدالت‌خواهی و قانون‌گرایی در شعر بهار»، مجله دانشکده ادبیات سمنان.
- مصفا، مظاهر و عباس سعادت. (۱۳۹۲). «تحلیل بسامدی علم و دانش در شعر شعرای برجسته دوره مشروطه»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، شماره هجده، ۲۲-۱.
- معین، محمد. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی، ج. ۱، چ. شانزدهم، تهران: امیرکبیر.
- ممتاز، جمشید. (۱۳۷۷). حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی، چ. اول، تهران: دادگستر.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۷). نظام بین‌المللی حقوق بشر، چ. اول، تهران: اطلاعات.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۷). «مقام بهار»، به اهتمام میلاد عظیمی، من زبان وطن خویشم (نقد و تحلیل و گزیده اشعار ملک‌الشعرا بهار)، چ. نخست، تهران: سخن.
- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۷۵). چون سبوی تشنه، تهران: جامی.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۹). چشمه روشن، تهران: علمی و فرهنگی.